

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نیک کوربایشلی
برگردان: مازیار حداد
۰۶ دسمبر ۲۰۲۳

پیامد های گسترده پیروزی انتخاباتی خاویر میلی "کلاه گیس" در ارجنتاین.

ترتیبات مبادلات ویژه ارزی که در جون و جولای امسال بین بونوس آیرس و بیجینگ امضاء شد، دولت ارجنتاین را قادر ساخت که به پرداخت بهره بسته وام ۴۴ میلیارد دالری صندوق بین المللی پول ادامه داده و بدین ترتیب از یک نکول دیگر اجتناب کند. در صورتی که میلی موضع سرسختانه خود را در قبال بیجینگ حفظ کند این خط اعتباری ممکن است به خطر بیفتد. دور از ذهن نیست که برای مثال دولتش سرمایه گذاری های کلیدی چین در بخش های استراتژیک را مسدود کند از جمله در واکا مونرتا؛ یک مخزن عظیم گاز و نفت در پاتاگونیا که دومین ذخایر بزرگ گاز شیل جهان و چهارمین ذخایر بزرگ نفت شیل را در خود جای داده است. یادداشت سایت: انتشار مطلب حاضر به دلیل اطلاعات مفید آن صورت می گیرد و به معنای تأیید کلیه مواضع مندرج در آن نیست.

پیروزی انتخاباتی روز یکشنبه خاویر میلی؛ لیبرترین دواتشه تند مزاج با خط ریش بلند و طرفدار راست افراطی که ادعا می کند به دنبال رهائی ارجنتاین از دست طبقه فاسد سیاسی است (آشنا به نظر نمی رسد؟)، چندان تعجب برانگیز نبود. او در نظرسنجی های منتهی به انتخابات پیشتاز بود، مورد حمایت حزب اصلی راستگرای کشور بود و رقیبش، سرجیو ماسا در حال حاضر وزیر اقتصاد کشوری است که در آستانه یک ابرتورم قرار دارد (CPI:143%) جایی که از هر ده نفر، چهار نفر در فقر به سر می برند.

چیزی که مایه تعجب است اقتدار این پیروزی است. خاویر میلی که تا چند سال پیش یک نام ناآشنا در عرصه سیاسی بود ۵۶٪ آراء را در برابر ۴۴٪ آرای سرجیو ماسا به دست آورد، یکی از بالاترین نسبت های انتخاباتی در دوران چهل ساله دموکراتیک کشور. ماسا توانست تنها در ۳ منطقه از ۲۳ استان و منطقه فدرال ارجنتاین پیروز شود. آشکارا اکثریت رأی دهندگان از وضع موجود خسته شده اند. طبق گفته دوست نزدیکی که در منطقه بوینس آیرس زندگی می کند همه جا صحبت از "تغییر" است (این نیز آشنا نیست؟)، که به دلیل شرایط بد اقتصادی، سطح بالای فقر کودکان (۶۷٪) و عملکرد اسفناک دولت در حال پایان آلبرتو فرناندز، احتمالاً قابل درک است. چیزی که مردم می

خواهند تغییری جدی در دینامیسم سیاسی و اقتصادی است و چه خوب و چه بد (من روی دومی شرط می بندم) این همان چیزی است که به دست خواهند آورد و طنین آن به بسیار دورتر از مرزهای ارجنتاین نیز خواهد رسید.

پایان عضویت ارجنتاین در بریکس (قبل از اینکه حتی آغاز شود)

خاویر میلی در مبارزه انتخاباتی عنوان کرد که به عنوان رئیس جمهور ورود ارجنتاین به بریکس را ملغی خواهد کرد و کشور را با امریکا و اسرائیل همسو خواهد ساخت، حرکتی که قطعاً از سوی دولت نتانیاهاو در اسرائیل مورد استقبال قرار خواهد گرفت، علی الخصوص که ارجنتاین محل زندگی بزرگترین جمعیت یهودی در امریکای لاتین و یکی از هفت محل پرجمعیت یهودیان در دنیاست. طبق گزارش کورت هکیارث در ژاکوبین، تاکنون دولتهای امریکای لاتین پیشتاز مخالفت با اسرائیل در جریان نسل کشی در غزه بوده اند. بولیوی روابط دیپلماتیک با تل ابیب را قطع کرده و در همین حین کلمبیا و چیلی و هندوراس همگی سفیرهایشان را از اسرائیل فراخوانده اند.

خاویر میلی، به عکس عنوان کرده است که دو سفر اولش قبل از حضور در مقام ریاست جمهوری در دهم دسمبر، امریکا و اسرائیل خواهد بود_ دومی ظاهراً به "دلایل روحانی" (که احتمالاً به علاقه خاویر میلی به تغییر مذهب به یهودیت بعد از خاتمه ریاست جمهوری اش اشاره دارد)[خبر تغییر مذهب وی به یهودیت هفته گذشته اعلام شد]. در عین حال روابط با چین احتمالاً بسیار تیره تر خواهد شد. میلی در مصاحبه با بلومبرگ در ماه اگست از این ملت آسیائی به عنوان "قاتل" نام برده است:

"مردم در چین آزاد نیستند، آنها نمی توانند کاری که می خواهند را انجام دهند و اگر انجام می دهند کشته می شوند. آیا شما با یک قاتل تجارت می کنید؟"

اما میلی از آن زمان تصریح کرده است که مانع معاملات تجاری خصوصی بین شرکت های ارجنتاینی و چینی نخواهد شد. دیانا موندینو، گزینه میلی برای وزارت خارجه، گزاره های میلی را تخفیف داده است و گفته او هرگز پیشنهاد قطع روابط رسمی با چین را نداده است، که احتمالاً با توجه به این که چین دومین شریک تجاری بزرگ ارجنتاین است و ارزش خارجی بسیار مورد نیاز ارجنتاین را فراهم می کند، نکته خوبی است.

اکنون " شراکت ستراتیژیک همه جانبه" چین با ارجنتاین (به گفته سخنگوی وزارت خارجه چین، وانگ ونبین) احتمالاً خاتمه می یابد (یا حداقل به حال تعلیق در می آید). و این با توجه به سرمایه گذاری سنگین چین در بسیاری از بخش های ستراتیژیک ارجنتاین از جمله لیتیوم و گاز – که دولت و شرکتهای امریکائی هم به آن چشم دارند- می تواند مشکل زا باشد. بیجینگ همچنین از زمان امضای توافقنامه تبادل ارزی در سال ۲۰۰۹ با رئیس جمهور وقت کریستینا فرناندز دو کیرشنر، یک تأمین کننده اعتباری بزرگ ارجنتاین است چنان که بلومبرگ اخیراً گزارش داده:

«از آن زمان، چین میلیاردها دالر در کشور سرمایه گذاری کرده است در همه چیز؛ از لیتیوم و نیروگاه های انرژی خورشیدی گرفته تا ایستگاه فضائی در منطقه جنوب پاتاگونیا.

روابط در سالهای اخیر با پیوستن ارجنتاین به ابتکار یک کمربند و یک راه شی جینگ پینگ در سال ۲۰۲۲، حتی مستحکم تر نیز شده است و ارجنتاین اعلام کرده طرحهای پیوستن به گروه بازارهای نوظهور بریکس را که چین بزرگترین آنهاست در سال آینده اجرایی می کند.

سرمایه گذاری چین در ارجنتاین تنها بخشی از کل نفوذ چین در امریکای لاتین را نشان می دهد، جایی که سلطه امریکا را در دهه های اخیر کم رنگ کرده است. از طریق یک کمربند و یک راه، چین میلیاردها دالر در ساخت جاده، پل، راه آهن، خطوط انتقال انرژی و نیروگاه برق در سراسر منطقه هزینه کرده است. همچنین توجهش را علاوه بر رهبران

ملی به سوی مقامات محلی معطوف کرده، پی ریزی ارتباطاتی که به آن اجازه داده در حالی که برای تبدیل شدن به شریک شماره یک امریکای جنوبی خیز برمی دارد حتی در دور افتاده ترین نقاط نیز سرمایه گذاری کند.»

ترتیبات مبادلات ویژه ارزی که در جون و جولای امسال بین بونئوس آیرس و بیجینگ امضاء شد، دولت ارجنتاین را قادر ساخت که به پرداخت بهره بسته وام ۴۴ میلیارد دلاری صندوق بین المللی پول IMF ادامه داده و بدین ترتیب از یک نکول دیگر اجتناب کند. در صورتی که میلی موضع سرسختانه خود را در قبال بیجینگ حفظ کند این خط اعتباری ممکن است به خطر بیفتد. دور از ذهن نیست که برای مثال دولتس سرمایه گذاری های کلیدی چین در بخش های استراتژیک را مسدود کند از جمله در واکا موئرتا VACA MUERTA؛ یک مخزن عظیم گاز و نفت در پاتاگونیا که دومین ذخایر بزرگ گاز شیل جهان و چهارمین ذخایر بزرگ نفت شیل را در خود جای داده است.

میلی همچنین گفته که دولتس تحریمهای کلیت غرب علیه روسیه را تأیید و اعمال خواهد کرد و اضافه کرده: "من هرگز از حکومت خودکامه ای مانند روسیه حمایت نمی کنم".

به عبارت دیگر، به فرض بعید که میلی عضویت ارجنتاین در بریکس را لغو نکند؛ بسیار نامحتمل است که اعضای پایه گذار بریکس عضویت کشوری را که دولتس از تحریمهای امریکا و/یا اروپا علیه یکی از اعضا حمایت می کند، تأیید کنند. در چنین حالتی جالب خواهد بود ببینیم که آیا اعضای بنیانگذار از یک کشور امریکای لاتین دیگر - با دو نامزد بسیار واضح که بولیوی و ونزوئلا هستند- برای جایگزینی ارجنتاین دعوت می کنند؟

بلوک تجاری امریکای جنوبی مرکوسور هم در نوبت است

میلی به بلوک چهار ملیتی مرکوسور Mercosur که از ارجنتاین، برزیل، پاراگوئه و اروگوئه تشکیل شده نیز حملات لفظی تندی کرد و حتی تا آنجا پیش رفت که تهدید به خروج از آن کرد که با توجه به نقش آن در ارتقای یکپارچگی اقتصادی منطقه احتمالاً سخت تر از خروج از بریکس خواهد بود. اگر چه در صورتی که اتفاق بیفتد نتیجه آن فروپاشی مرکوسور است که به نوبه خود پایان مذاکرات چند دهه ای بین این بلوک تجاری و اتحادیه اروپا خواهد بود.

در برازیلیا و بروکسل امیدها بر این است که پس از روی کار آمدن میلی عمل گرایی غالب شود و او سیاست های خود را نسبت به رئیس جمهور برزیل لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا تعدیل کند. برزیل بزرگترین شریک تجاری ارجنتاین است اما روابط بین دو کشور از قبل و در دوران ریاست جمهوری ژائیر بولسونارو به سردی گرائیده بود و حتی احتمال وخیم تر شدن روابط هم می رود. میلی در مبارزات انتخاباتی، لولا را یک "کمونیست خشمگین" نامید و رسماً از بولسونارو به عنوان "نماینده" برزیل در مراسم تحلیف خود دعوت نموده است.

در مصاحبه با رویترز، موندینو تلاش کرد تا برخی آسیب ها را جبران نماید؛ وی گفت که اگرچه مرکوسور باید تغییر کند اما آنچنان که میلی قبلاً پیشنهاد کرده بود نباید "نابود شود". موندینو همچنین اذعان کرد که ارجنتاین به دنبال افزایش تجارت با برزیل است. اما قبل از این کار او باید راهی برای بهبود روابط بین دو دولت بیابد آن هم قبل از این که دولت میلی حتی شکل گرفته باشد.

در حال حاضر لولا راضی است که روابط ارجنتاین و برزیل به حال تعلیق دربیاید زیرا معتقد است که ارجنتاین با اقتصاد بحران زده و خالی از دلرش به همان اندازه ای که برزیل به ارجنتاین نیاز دارد، اگر نه بیشتر، محتاج برزیل است. این یک شرط بندی معقول است: حجم مبادلات تجاری ارجنتاین با برزیل دو برابر بیشتر از تجارت با امریکاست. در همین حال مرکوسور و اتحادیه اروپا مذاکرات دوجانبه را برای توافق تجاری مورد انتظار تسریع می کنند به این امید که تا قبل از روی کار آمدن میلی توافقی امضاء کنند.

دالریزه کردن و انحلال بانک مرکزی

میلی روز دوشنبه یک روز پس از انتخابش، بر طرح هایش برای نابودی بانک مرکزی (BCRA)، که آن را به عنوان "مسأله ای اخلاقی" توصیف می کرد و همچنین پی ریزی یک ستراتیژی مالی برای حل معضل افزایش بی رویه اوراق بدهی کوتاه مدت ارجنتاین "Leliq" که مرز یک تریلیون پزو (معادل ۱۸.۲ میلیارد دلار) را در ماه مارچ رد کرده بود، صحنه گذاشت. آنگونه که رویترز آنزمان گزارش داد "بدهی Leliq که بر پایه پزو قرار دارد و روزانه بیشتر در بانکهای داخلی به مزایده گذاشته می شود، به بانک مرکزی کمک می کند نقدینگی بازار را جمع کند تا ارزش ضعیف را تقویت کرده و تورم سرسخت را مهار کند. اما با نرخ های بهره نجومی همچنان نگرانی رو به افزایشی وجود دارد که این نیز ناپایدار شود."

میلی درباره انحلال پزو و جایگزینی آن با دالر نیز صحبت می کند. شکل معتدل تر این سیاست قبل تر در اوایل دهه ۱۹۹۰ امتحان شده بود. وقتی دولت کارلوس منم Menem در بوئنوس آیرس نرخ تسعیر ارز را در قیمت های مصنوعی و ناپایدار در برابر دالر امریکا تثبیت کرد. این مسأله به کشور توهم دروغین ثروتمندی داد در حالی که اقتصاد را غیر رقابتی کرده و دولت را از داشتن یک سیاست پولی مستقل محروم کرد. و در نهایت راه را برای بحران مالی و کاهش ارزش پول ملی و رکود عمیق سال ۲۰۰۱ که اقتصاد ارجنتاین هرگز از آن رهایی نیافته، هموار کرد. افزون بر آن، به دو دلیل ساده، ارجنتاین به تنهایی در موقعیتی نیست که دالریزه کردن را انجام دهد. مطابق گفته آلخاندرو ورنر مدیر اسبق دیپارتمان نیمکره غربی در صندوق بین المللی پول (IMF) در American Quarterly: "ارجنتاین نه دالر [کافی] برای دالریزه کردن دارد و نه به بازار مالی دسترسی دارد که بتواند دالر به دست بیاورد." و این مسأله این بار یک نعمت است. به هر حال اگر ارجنتاین به طور کامل پزو را با دالر جایگزین کند، به معنای پایان هرگونه شبهه در مورد استقلال حاکمیتی ارجنتاین خواهد بود. همچنان که ها-یون چانگ اقتصاددان کوریای جنوبی در جریان بازدید اخیرش از این کشور هشدار داد:

«اگر شما می خواهید دالر را به عنوان ارز رسمی برگزینید، باید درخواست تبدیل شدن به یک مستعمره ایالات متحده امریکا را بدهید زیرا این همان چیزی است که به آن تبدیل می شوید. این بدین معنا است که سیاست های کلان اقتصادی شما در واشنگتن نوشته خواهند شد.»

البته این به نفع امریکا خواهد بود، چه آن که ارجنتاین ذخایر عظیمی از مواد معدنی، شامل لیتیوم و گاز طبیعی دارد که امریکا به آن چشم دوخته است و اگر اقتصاد یک کشور عضو G20 مثل ارجنتاین دالر را برگزیند، تاحدی تلاش های بریکس برای کاهش تاثیر دالر در تجارت جهانی را بی اثر خواهد کرد. ایجاد روابط اقتصادی قویتر با ارجنتاین همچنین به تضعیف نفوذ فزاینده چین در امریکای جنوبی کمک خواهد کرد.

اما آیا واشنگتن آماده است تا مبالغ قابل توجهی را برای چنین سرمایه گذاری بپردازد؟ مطابق برآوردهای روزنامه اقتصادی اسپانیایی Expansion؛ بودجه اولیه به تنهایی می تواند حدود یکصد میلیارد دالر باشد، برای پروژه ای که سالها طول می کشد تا کامل شود و با دولتی که همچنان به صندوق بین المللی پول ۴۴ میلیارد دالر و به چین میلیاردها دالر بدهکار است. و این برای دولت بایدن پول زیادی است، به ویژه که کنگره در شوک تأمین بودجه برای دولت زلنسکی در اوکراین است.

اما بیشتر این پول می تواند از بخش خصوصی تأمین شود. تیم میلی حتی از ماه جولای درباره دریافت پیمانهای از شرکتهای سرمایه گذاری خصوصی در راستای خرید ۳۵ میلیارد دالر اوراق قرضه برای برنامه دالریزه کردن میلی رجز خوانی می کرد. این قمار البته پر ریسک است اما عواید احتمالی می تواند عظیم باشد. به علاوه این سرمایه

گذاری ریسک تسعیر ارز را که معمولاً با سرمایه گذاری در ارجنتاین همراه است نخواهد داشت به این دلیل ساده که سرمایه گذاران عوایدشان را به دالر دریافت می کنند و نه پزوی ارجنتاین.

دوره دیگری از غارت و خصوصی سازی

هفته ماه قبل زلزله سیاسی دیگری در امریکای جنوبی به وقوع پیوست. چریک رزمنده مارکسیست سابق گوستاوو پترو به عنوان اولین رئیس جمهور چپ گرای کشور از زمان استقلال در سال ۱۸۱۹، تاریخ ساز شد. همانگونه که در آن زمان اشاره کردم، نتایج آن انتخابات، همانند انتخابات اخیر، می تواند تأثیراتی بسیار گسترده تر از مرزهای کلمبیا داشته باشد. به ویژه در روابط با همسایه اش ونزوئلا که برای مدتهای مدید با آن بیگانه بود و همچنین روابط نظامی اش با امریکا که حداقل هفت پایگاه نظامی رسمی در خاک کلمبیا دارد.

انتخاب پترو همچنین بر روابط کلمبیا و اسرائیل که یک متحد نزدیک نظامی است و بسیاری از سربازان و شبه نظامیان کلمبیائی را تجهیز کرده و آموزش داده، تأثیرگذار بود. دولت پترو اخیراً سفیرش را از اسرائیل برای مشورت فراخوانده و تیم های حقوقی اش در حال تنظیم شکوائیه علیه نخست وزیر اسرائیل بنجامین نتانیا هو، برای ارسال به تمام دادگاه های بین المللی است. پترو علاوه بر این تهدید کرده است که خریدهای نظامی را از تمام کشورهایائی که در سازمان ملل متحد به قطعنامه آتش بس در غزه رأی منفی و یا ممتنع داده اند، به حال تعلیق درمی آورد. که البته می تواند شامل امریکا بزرگترین متحد سنترائیزیک کلمبیا در مسایل دفاعی باشد.

به طور جالبی روزی که پترو برنده انتخابات شد، بازار سهام کلمبیا ۶ درصد سقوط کرد. که بی شک در پاسخ به طرحهای پیشنهادی دولتش برای اصلاح سیستم مالیاتی بود که با معرفی یک سیستم افزایشی مالیات بر درآمد و ثروت، به اصلاحات کشاورزی می پرداخت و دسترسی عمومی گسترده تر به سیستم سلامت ممکن می ساخت. به عکس بازار سهام Merval ارجنتاین روز [انتخاب میلی] را با بیش از ۷ درصد رشد به پایان رساند. فهم چرایش سخت نیست: چیزی که میلی پیشنهاد می کند فروش عظیم دارائی های دولتی به خارجی های چند ملیتی برای یکبار دیگر است.

پرفروش ترینها شامل شرکت انرژی ارجنتاین YPF است که اکثریت سهامش در دست دولت است و درمیان اولین دارائی های عمومی دولت است که خصوصی خواهد شد. این شرکت قبلاً در دوران ریاست جمهوری کارلوس منم ۱۹۸۹-۹۹ خصوصی سازی شد و پس از آن در سال ۲۰۱۰ توسط دولت کریستینا فرناندز دو کیرشنر مجدداً دولتی شد. امروز ایده فروش این شرکت، احتمالاً به یک شرکت امریکائی یا اروپائی، با توجه به این که YPF با ۸.۶ میلیون هکتار [اراضی] واکا مونرتا چهل درصد یکی از بزرگترین میدانهای نفت و گاز دنیا را در اختیار دارد، بی معناست.

دولت جدید رسانه های رادیو و تلویزیون عمومی ارجنتاین و آژانس خبری دولتی Talem را نیز خواهد فروخت. با چنین حجمی از بدهی عمومی دولت (تقریباً چهارصد میلیارد دالر حدوداً معادل دو سوم تولید ناخالص داخلی) و همچنین چالشهای ناشی از بازپرداخت وام صندوق بین المللی پول و خط اعتباری چین در هنگام تراز منفی منابع بانک مرکزی، میلی بهترین بهانه را برای کشیدن اره برقی نمادینش بر همه دارائی های دولتی با هر قیمتی خواهد داشت، همانطور که همیشه جزء برنامه بود.

او گفته: "بخش خصوصی هر چیزی را که بتواند در دست بگیرد خواهد داشت."

خواه شامل آنچه که از سلامت و درمان باقی مانده است باشد که تنها حیطة های خدمات عمومی هستند که از پیاده سازی نئولیبرالیسم کارلوس منم در دهه نود میلادی تقریباً دست نخورده باقی مانده اند. کارلوس منمی که میلی از او به

عنوان بهترین رئیس جمهور دوران دموکراتیک ارجنتاین و در زمان بحران ۲۰۰۱ یاد می‌کند. آموزش عمومی در تمام مقاطع و سیستم سلامت آخرین جواهرات باقی مانده در تاج ارجنتاین است که در تمام قاره آمریکا و بیشتر اقصی نقاط دنیا بی نظیر است، امیلیو گولو ژورنال‌یست مستقل در این باره می‌گوید:

«در ارجنتاین پنج برنده جایزه نوبل رشد یافته اند (دو جایزه در فزیک، یک جایزه در پزشکی و دو جایزه صلح). یکی از آنها برناردو هوسای Conicet را بنیان نهاد که معتبرترین مؤسسه پژوهشی عمومی در آمریکای جنوبی است و میلی قول داده آن را تعطیل کند. مکزیکی تنها یک برنده نوبل در علوم سخت دارد و برزیل هیچ برنده ای ندارد. لیست مؤسسات عمومی که فرهنگ و هویت ارجنتاین را تحکیم کرده اند شامل شاخه هائی چون سینما و ورزش و ادبیات می شود. در یکشنبه شب ۵۵ درصد جمعیت به ارجنتاین پشت کرده و قدمی دیگر در راه آمریکای لاتینیزه کردن آن، که در سال ۱۹۷۶ با دیکتاتوری نظامی و اولین موج نئولیبرالیسم آغاز شده بود، برداشتند.»

دولت آینده همچنین پیشنهاد قطع هرگونه یارانه دولتی به حمل و نقل عمومی را داده است که هنگامی که قیمت بقیه چیزهای دیگر از کنترل خارج شده است گریبان فقیرترین اقشار جامعه را خواهد گرفت. دولت می‌گوید قطع سوبسیدها به کاهش تورم کمک خواهد کرد و به نوبه خود هر گونه درد اقتصادی ناشی از قطع سوبسیدها را جبران خواهد کرد. اما این سیاستها حتی اگر کارا باشند زمان می برد که به بار بنشینند. و دولت به هر حال برای درد اقتصادی گسترده و نارضایتی آماده می‌شود. و همان جایی است که معاون رئیس جمهور، ویکتوریا ویاوئل وارد می‌شود.

پژواک تاریک گذشته

دختر یک عضو عالی رتبه نیروهای مسلح ارجنتاین که از سوگند وفاداری خوردن به قانون اساسی سیستم جدید دموکراتیک ارجنتاین در سال ۱۹۸۷ سرباز زد، ویکتوریا ویاوئل، با به نبرد فراخواندن اجماع چند دهه ای درباره دوره دیکتاتوری ارجنتاین و به زیر سوال بردن تعداد قربانیان کشته و مفقود آن، برای خود نامی به هم زده است. این وکیل اکنون در پس آن است کاری را انجام دهد که تا همین اواخر غیر قابل تصور بود: پیروزی سیاسی یک جریان تجدید نظر طلب که نه تنها دادگاه های ملی را پس از سقوط دیکتاتوری در سال ۱۹۸۳، بلکه حکم تاریخ را نیز به نبرد فرا می‌خواند.

در سال ۲۰۲۱ او منشور مادرید Madrid Charter را امضاء کرد؛ سندی که توسط حزب راست افراطی اسپانیا Vox تهیه شده بود و گروه های چپگرائی مانند فوروم سائو پائولو Sao Paulo Froum و گروه پوئبلا Puebla Group را دشمنان ایرو-امریکا توصیف می‌کند و آنها را به مشارکت در "پروژه ای جنایتکارانه تحت چتر حمایتی رژیم کوبا" که "به دنبال بی ثبات کردن دموکراسی های لیبرال و حکومت قانون هستند" متهم می‌نماید.

دهم دسمبر روزی که میلی و ویاوئل قدرت را به دست می‌گیرند چهلمین سالگرد بازگشت ارجنتاین به دموکراسی است و همچنین اولین باری خواهد بود که یک حزب سیاسی با پیوند های خانوادگی، عاطفی و مادی نسبت به دیکتاتوری نظامی قدرت را به دست می‌گیرد.

گولو خاطر نشان می‌کند: «حزب نظامی ... مثل یک اسب تروا با تابلوهای چشمک زن نئونی، به روشی دموکراتیک وارد دولت شد. ویاوئل رقم نمادین ۳۰۰۰۰ ناپدید شده را انکار و مدام مادران پلازا د مایو را تحقیر می‌کند. او دختر و خواهرزاده سربازان محکوم شده است و از حمایت شکنجه گرانی که به جرم جنایت علیه بشریت زندانی اند برخوردار است.»

او مسؤول نیروی دفاعی و نظم و قانون خواهد بود و هنگامی که به دنبال موج اول کاهش هزینه ها خصوصی سازی ها و بیکاری؛ اعتراضات و اعتصابات اجتناب ناپذیر آغاز می شود؛ او کسی است که دستور آتش را صادر می کند. سرکوب حاصله احتمالاً وحشیانه خواهد بود.

تنها مایه تسلای خاطر این است که میلی و ویاوئل هیچ یک از مراکز قانونگذاری ارجنتاین را تحت کنترل نخواهند داشت و به حمایت سایر احزاب وابسته خواهند بود که بسیاری از آنها مخالف برنامه گسترده آنها هستند. اما این امر حقیقت را تغییر نمی دهد که عوام فریبهای دست راستی بار دیگر به قدرت بازگشته اند و آنها در بسیاری از کشورهای دیگر از جمله در اروپا در حال تقویت هستند. رافائل ناربونا ژورنالیست اسپانیایی می نویسد این واقعیت تلخ نتیجه شکست سیستم دموکراتیک ما و همچنین پذیرش مشتاقانه تزه های پایه ئی نئولیبرالیسم توسط احزاب چپگرا است:

«دموکراسی مسأله آراء نیست بلکه مسأله ارزشهاست. میلی در نظر دارد که حقوق اجتماعی را کاهش داده و رژیم ویدلا را تطهیر کند. برنامه اش دموکراتیک نیست و به ضعیف ترین اقشار جامعه آسیب می زند. پس چرا اینهمه حمایت به دست آورده است؟ شاید به دلیل این که از دهه هشتاد میلادی چپ تزه های نئولیبرالیسم را پذیرفته است.

در اسپانیا، فیلیپه گونزالس اجازه سفته بازی در املاک را داد، قراردادهای شغلی مزخرف را اجراء کرد، با اتحادیه ها مبارزه کرد، فساد را گسترش داد، به تروریسم دولتی متوسل شد، برنامه شدید صنعت زدائی را کار گرفت و اسپانیا را در جنگ اول عراق درگیر کرد. در سالهای بعد، رأی دهندگان این تصور را تجربه کردند که راست و چپ فقط در موضوعات جزئی با هم تفاوت دارند زیرا برنامه های ضد اجتماعی مشابهی را دنبال می کردند و از منابع نخبگان محافظت می کردند. این یک پدیده محلی نبود بلکه یک پدیده جهانی بود.

عوام فریبان از این موقعیت برای موفقیت استفاده کردند. ترمپ، بولسونارو و میلی خودشان را به عنوان سیاستمداران ضد سیستم معرفی کردند، اما واقعیت این است که آنها مستحکم ترین ستون های سیستمی هستند که در جهت منافع شرکتهای تجاری بزرگ، به تضعیف دولت رفاه می پردازد. رسانه هائی که تنها دلمشغولی شان قدرت اقتصادی است و بی علاقگی فزاینده به فرهنگ نیز نقش خود را در ظهور عوام فریبی بازی کرده اند.

چپ دوباره به قدرت خواهد رسید اما بعید نیست که همان اشتباهات را دوباره تکرار کند. وقتی یک دولت مرد تلاش می کند که تغییرات رادیکال را پیش ببرد، بر سرنوشتش مهر تأیید مرگ می کوبد، همانگونه که برای سالوادور آلنده، اولاف پالمه و پاتریس لومومبا اتفاق افتاد.»

نیک کوربایشلی

۲۱ نومبر ۲۰۲۳

<https://www.nakedcapitalism.com/2023/11/another-political-earthquake-just-took-place-in-latin-america-this-time-in-argentina.htm>